



# محرکان

نشریه «فرہنگی - سیاسی»

## تاریخی

- ۱۵۰ محمد رضا اعلم نقش ایرانیهای مبارز خارج از کشور در انقلاب مشروطیت

## در گذرگاه تاریخ

- ۱۶۳ اولین بیانات آیت الله خمینی در آغاز جنگ ایران و عراق

- ۱۶۴ اولین پیام امام خمینی به ملت ایران

- ۱۶۵ قسمتی از بیانات آیت الله خمینی به مناسبت پذیرش آتش بس

## انتقاد و بررسی کتاب

- ۱۶۷ اردشیر لطفعلیان گسترده‌گی و عمق فجایع به بار آمده از سلطهٔ ۷۰ ساله نظام کمونیستی بر روسیه و اقمار

## در یک نگاه

## خبر و نظر

- ۱۸۴ سیستم بلبشوی مالیاتی و فرار ثروتمندان حاکم و شرکاء آنها از پرداخت مالیات

## دیروز و امروز

## در ترازوی زمان

- ۱۸۸ اخبار و مسائل فرهنگی: هیولای خطرناک بسیج
- ۱۹۴ اخبار و مسائل اقتصادی: جنگ کشورهای صنعتی برای غارت جهان سوم
- ۲۰۰ اخبار و مسائل اجتماعی: چهرهٔ واقعی تهران

## به نظر می رسد که بار دیگر

### به اعتماد و آرمانهای مردم خیانت شده است

هدف حجت الاسلام خاتمی تلاش در تثبیت و بقای نظام فقها است. او برای متقاعد ساختن مخالفان رژیم به همکاری با حکومت فقها، با به عاریت گرفتن چند شعار از نظامهای مردمی، چون آزادی اندیشه، جامعه مدنی و... بدین ادعا متوسل شده است که اینگونه شعارها را نیز می توان در نظام فقها به مورد اجرا گذاشت! او با این ادعا در عین حال تکلیف مردم را نیز در اطاعت از ولی فقیه خلاصه می کند: «ولایت فقیه دیگر یک نظریه فقهی نیست بلکه اصل نظام است.» در این نظام وعده آزادی و سایر حقوق اساسی و انسانی آقای رئیس جمهور تازگی ندارد. این همان شعار سایر زمامداران گذشته نظام حتی آیت الله خمینی در ۱۹ سال حاکمیت فقها است. نظامی که با پایمال کردن اساسی ترین حقوق یک ملت حاکمیت را در انحصار یک اقلیت کوچک فقها در آورده است یک نظام دیکتاتوری مطلق است ولو آن که هر روز شعار آزادی سر دهد. برخورداری از اندیشه آزاد و سایر حقوق اساسی فقط و فقط در کشوری امکان پذیر است که صاحبان آن کشور حاکم بر سرنوشت خود باشند. این اصل مسلمی است که قرنها در جهان به مورد آزمایش و اجرا گذاشته شده است.

عکس العمل شدید آقای خاتمی و سایر فقها در مقابل اظهار عقیده ساده آیت الله منتظری یک بار دیگر ثابت نمود که نظام فقها هرگز بحث و اظهار عقیده را در امور مملکتی جایز نمی داند. از نظر خاتمی، ناطق نوری، یزدی، هاشمی رفسنجانی و بطور کلی کارگردانان دو جناح اصلی هیئت حاکمه، یعنی دشمنان سرسخت حاکمیت اراده ملت، اینگونه اظهارنظرها تجاوز به حریم «مقدسات» مملکت است. وحدت کلمه فقها در اینگونه امور بدین دلیل است که این نظام از عقب نشینی شاه با اعلام «فضای باز سیاسی» این تجربه را آموخته است که حاصل یک قدم عقب نشینی از موضع خویش سقوط و

انقراض است.

بنا بر این هدف رئیس جمهور و سایر فقهای حاکمه از بحث و انتقاد و اظهار عقیده آزاد مربوط به مسائلی از قبیل بهای گوشت و نان و سایر ما یحتاج شکم است. حتی اظهار عقیده و انتقاد از تهاجم اقتصادی استکبار جهانی و نفت خواران بین المللی به «ایران اسلامی»، از محدوده آزادیهای مرحمتی فقهای حاکم به مردم خارج است. بهمین دلیل با این که مردم ایران صدای گوش خراش منتهای خارجی را در حال سوراخ کردن قلب سرزمین ایران برای غارت و مکیدن ثروت‌های زیرزمینی نسل فعلی و نسل آینده با گوش و جسم و جانشان می شنوند و لمس می کنند، اجازه دم بر آوردن ندارند. و حتی حق این سوال ساده از آنها سلب شده است که این میلیارد میلیارد دلار حاصل فروش این دریای نفت زیرزمینی به کجا می رود. اگر در دوران نخست وزیری دکتر مصدق، مردم با قیام خود علیه نفت خواران و کارتل‌های بین المللی «آنها فقط در محدوده نفت جنوب» با دست تنگی و سختی معیشت سه سال در برابر آنها مقاومت نمودند اکنون کار بجایی کشیده شده که قدم مبارک مهاجمین اقتصادی استکبار جهانی آنها برای غارت نفت در شمال و جنوب و سراسر کشور مورد استقبال سران حکومت فقها قرار می گیرد. در حالی که آنها هنوز هم با کمال وقاحت از حمله به تهاجم استکبار جهانی دست بردار نیستند.

در این ماجرا اپوزیسیون مبارز و قهرمان خارج از کشور نیز به دلیل صرف تمام وقت خویش به صدور اعلامیه و بیانیه و سخنرانی و سمینار و مقاله نویسی و شرکت در شادی قهرمانان فوتبال، حتی لحظه ای وقت اضافی برای پرداختن به این قبیل مسائل پیش پا افتاده ندارد!

ترس و وحشت و اضطراب سران رژیم از اظهار نظر آیت الله منتظری، فردی بی سلاح و محاصره شده در خانه خویش، درباره ولایت فقیه و عکس العمل شتاب زده آنها با به میدان کشیدن تمام نیروهای جیره خوار خود در سراسر کشور، این مسئله را به اثبات می رساند که این رژیم کوچکترین پایگاهی در بین مردم ندارد. خاصه از آن تاریخ که میلیونها نفر از زن و مرد جوان با جنبشی متفرق اما هدفی واحد به بهانه شرکت در انتخابات علیه نظام فقها بپا خاستند، رژیم تنفر مردم را نسبت به خویش با جسم و جاننش لمس نموده است. یک نظام طبیعی و با ثبات کوچکترین اعتنایی به چنین اظهار عقیده ها ندارد. تنها نظام لرزان و بی ثباتی چون نظام فقهاست که حتی از سایه خود می ترسد. افسوس و صد افسوس که در این ۱۹ سال اقامت در غربت هیچ نیروی متشکل و واحدی در خارج از کشور بوجود نیامده است تا از این فرصتها و لحظات تاریخی به نفع تحقق آرمانهای ملت اسیر و در بند استبداد خویش

استفاده کند.

اعلامیه‌ها و سخنرانیهای یکنواخت و یک صدای دولت و جناحهای حاکمه علیه منتظری و سایر مخالفان خامنه‌ای ثابت نمود که همه جناحها علیرغم اختلاف خویش بر سر تقسیم غنائم، در مواقع احساس خطر یکصدا و متحد و یکپارچه می‌شوند. چه خاتمی، چه ناطق نوری، چه خامنه‌ای و چه رفسنجانی و... بنابراین هیچ یک از جناحها در نوع حکومت و انحصار حاکمیت به فقها کوچکترین اختلافی ندارند بلکه نزاع آنها بر سر تقسیم قدرت است و اختلاف آنها در روش حکومت، اختلاف سلیقه است نه اختلاف عقیده.

جناحی برای حفظ و حراست از رژیم معتقد به خشونت است و جناح دیگر معتقد به ملایمت و در عین حال هر دو جناح مشترکاً دشمن سرسخت طرفداران پراکنده و سرگردان و بی طرح و برنامه حاکمیت اراده ملتند. حاکمیتی که تمام طیفهای سیاسی معتقد به حکومت مردمی را شامل می‌شود.

خوشا بحالشان که برای حفظ موجودیت و پیشبرد اهداف مشترکشان با هم متحدند. همین اتحاد بود که آنها را از حجره نشینی به حکومت رساند. ایکاش من و تونیز برای نیل به اهداف مشترکمان از آنها پند می‌گرفتیم.

### شکست دولت جدید در انجام وعده‌های خویش

سالی که نکوست از بهارش پیداست

هدف بسیاری از فعالان جنبش ضد رژیم به بهانه رای دادن به آقای خاتمی کاندید دولتی، ضربه زدن به رژیم بود که در این زمینه توفیق کامل یافتند. اما از ابتدا برای آنها روشن بود که در چنین نظام اقلیتی که انحصار حکومت را از حقوق خود می‌داند اثری از آزادی و تساوی حقوق و عدالت و غیره و غیره وجود ندارد. بهمین دلیل هیچ توقع و انتظاری از دولت آقای خاتمی نداشتند. در کنار فعالان ضد رژیم تعداد کثیری از ساده اندیشان نیز به امید وعده‌های آقای خاتمی و انتظار نورستگاری از سوی دولتی که زاده نظام فقهاست پای به میدان انتخابات گذاشتند که رفته رفته ناامید می‌شوند. اصولاً در جامعه اسیر و در بند استبداد که ابرهای یاس و ناامیدی بر آن سایه افکنده است امید بستن به این و آن برای مردم در حکم وصف العیش نصف العیش است.

بنا بر ضرب المثل «سالی که نکوست از بهارش پیداست» ایام بهار دولت خاتمی بسر رسیده و منتظران را نیز نفس به لب آمد.

آقای رئیس جمهور با وعده‌ها و شعارهای توخالی و بی پشتوانه مردم را سرگرم

می کند، دولت «ما فوق دولت» آقای خامنه ای با خیال راحت و با خفه کردن اندیشه ها، می زند و به بند می کشد و می کشد و غارت می کند. رئیس جمهوری وعده بی پشتوانه «اجازه شرکت مردم در سرنوشت خویش» می دهد. یزدی رئیس قوه قضائی با پشتوانه محکم رهبری و با اعلام رسمی «حاکمیت و سیاست فقط از حقوق انحصاری فقهاست» هر نوع شرکت مردم را در سیاست منع و محکوم می کند. رئیس دولت وعده رفاه و آسایش می دهد اما ضروری ترین ما بحتاج زندگی مردم بسرعت بالا می رود. رئیس جمهور از یک طرف شعار جلوگیری از تشریفات می دهد و از طرف دیگر ۲۵ میلیارد تومان بودجه تشریفات و تبلیغاتی برای نمایش کنفرانس اسلامی در تهران تعیین می کند و بموازات آن رئیس مجلس ۷ مرسدس بنز هر یک به بهای ۹۰ میلیون تومان برای تشریفات مجلس خریداری می کند. علیرغم شعار حجت الاسلام خاتمی هزینه رژه بسیجیان از جلو آقای رهبر در شهرستان کرج و دیدار او از اردوگاههای بسیجیان صدها میلیون تومان برای مردم تمام می شود. و «خروش پنج میلیون بسیجی در سراسر کشور» در حمایت از رهبر، رقم عظیمی از بیت المال را می بلعد. اگر مخارج سالانه سرسام آور مراسم تشریفات آقای رهبر را با هم جمع کنیم با حاصل جمع آن حداقل این امکان بوجود می آید که حدود یک و نیم میلیون از کودکانی که امسال بعزت فقر و کمبود فضای آموزشی از خواندن و نوشتن زبان مادری محروم شدند، روانه مدارس شوند. اینهم از تفضلات الهی است که خداوند متعال چنین رهبری گرانقیمت را به ملت ایران مرحمت فرموده است.

رئیس جمهور در پیام ۱۸ مرداد خود به پنجمین اردوی دفتر تحکیم وحدت «حضور فعال و مشارکت همه جانبه دانشجویان و دانشگاهیان، مبارزه با فضای بی تفاوتی ایجاد و تقویت فضای برخورد اندیشه ها، ترویج روحیه قانونگرایی» را توصیه می کند و به انجمن اتحادیه های دانشجویان اسلامی دانشگاهها اجازه رسمی تجمع جلو دانشگاه را میدهد. حزب الله با حمله به دفتر این انجمن، مسئولان اتحادیه ها را با بدنهای خون آلود روانه بیمارستان می کند. آقای خاتمی شعار جامعه مدنی می دهد، حزب الله از سخنرانی استادی درباره جامعه مدنی ممانعت بعمل می آورد.

آقای رئیس دولت! شما به استناد همین قانون اساسی کذایی که اجرای آن را از وظایف خود می دانید (از مهمترین وظایف رئیس جمهور اجرای قانون اساسی و نظارت بر اجرای آن است - کیهان ۲ آبان ماه) مسئول مستقیم همه این عنان گسیختگی ها و خونریزیها و ولخرجیها و بیاد رفتن ثروتهای مردم تنگدست و ملیونها جوان بیکارید. مگر می شود هم بر کرسی دولت تکیه زد و هم از وظایفی که بعهده یک دولت است شانه خالی

کرد؟ چرا با وعده های تو خالی «آزادی اظهار عقیده» جوانان و دانشجویان و اندیشمندان را در چنگ چاقو کشان و چماق داران رژیم گرفتار می سازید؟ چرا اجازه می دهید که بچه ها و نوجوانان معصوم دبستانی و دبیرستانی را بنام «بسیج» همراه با اوباش و چماق داران برای عربده کشیدن در خیابانها و ایجاد ترس و وحشت و حمله به کتابخانه ها و دفاتر و منازل آزاداندیشان اعزام کنند. آیا آلودن فرزندان معصوم مملکت به این گونه وحشی گریها منافی اصول اخلاقی و تعلیم و تربیت نیست؟

اگر ادعا می کنید که در این مسائل دخالتی ندارید چرا در مقام دولت به اعزام کنندگان چماق داران اعتراض نمی کنید؟ چرا در یک اعلامیه رسمی رهبران این بربریت و وحشیگریها و حزب الله بازیها را به جامعه معرفی نمیکنید؟ مگر بارها وعده ندادید که حقایق را با مردم در میان خواهید گذاشت؟ اینست مفهوم وعده هایتان به جوانان شرکت کننده در انتخابات شما؟

چرا با شعار «باید فکر با فکر روبرو شود و سرکار جرم با دادگاه است. باید این مبنای امنیت روحیه جامعه باشد» فکر را با چماق داران و ماموران ضرب و ایجاد ترس و وحشت روبرو می کنید و بجای آن که این دشمنان اندیشه را به دادگاه اعزام کنید با تجلیل از آنها و رهبران شان میخ استبداد را محکم می کنید؟ «هیئت دولت از حضور مردم در صحنه برای حمایت از اصل ولایت فقیه تقدیر کرد و هر حرکت در جهت تضعیف مقام ولایت فقیه را محکوم کرد. - کیهان ۶ آذر» چرا با شعار «باید فکر با فکر روبرو شود» حتی یک نفر از دهها هزار نفر از زندانیان سیاسی را که بعلت اظهار عقیده به بند افتاده اند تاکنون آزاد نکرده اید؟ اینها اکنون زندانیان دولت شما هستند. عدم آزادی این به بند کشیده شدگان بجرم اظهار عقیده دلیل قاطع بر اثبات این مسئله است که برنامه و راه شما ادامه برنامه و راه زمامداران گذشته است.

چرا آیت اللهی که در سمت ریاست مجلس خبرگان از بنیانگزاران اصل ولایت فقیه بوده است (که شما نیز ریاست جمهوری خود را مدیون او می باشید) وقتی به استناد شعار «باید فکر با فکر روبرو شود» شما، درباره ولایت فقیه اظهار عقیده می کند، سیل پاسدار و بسیج برای حمله به دفتر و خانه او اعزام می شود و شما به جای جلوگیری از این بربریت و وحشیگریها، با تجلیل و ستایش از رهبر و فرمانده پاسدار و بسیج و تقیح اظهارات متظری هم آبرو و اعتبار خود را می برید و هم میخ استبداد را محکم می کنید. مگر در اصل یکصد و هفتم قانون اساسی شما نیامده که: «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است». کدام ماده از قانون اساسی شما اظهار عقیده درباره «رهبر» را جرم و گناه

کبیره می داند که شما اظهار عقیده می کنید:

«این قانون ما ولایت فقیه را به عنوان یکی از اصول نظام در آورده است و در قانون اساسی هم آمده است و مخالفت با آن مخالفت با نظام است»؟

آیت الله منتظری که شما و رهبرتان از نظر دانش اسلامی و فقهی شاگرد او هم نمی شوید، نه تنها کوچکترین مخالفتی با ولایت فقیه ندارد بلکه همه این تلاشها را برای ثبات نظام فقها و ولایت فقیه که خود از پایه گذاران اصلی آنست می کند. منتظری و بسیاری از طرفداران معمم و غیر معمم این نظام به دلایل فقهی و بر اساس قانون اساسی از روز اول صلاحیت آقای خامنه ای را برای این مقام قبول نداشتند. حرف و سخن همه آنها اینست که آقای خامنه ای به موجب ماده اول اصل یکصد و نهم قانون اساسی درباره شرایط رهبری «صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلفه فقه» فاقد این شرط است. مگر می توان با جعل عنوان آیت اللهی آنهم بلافاصله پس از فوت آیت الله خمینی معلومات فقهی را یکشنبه به خود تزریق نمود و با بند و بست مثلث «احمد خمینی - هاشمی رفسنجانی - علی خامنه ای» بکرسی ولایت تکیه زد؟ بهمین دلیل است که این دیکتاتور و بت اعظم ساختگی کوچکترین اعتبار و نفوذی در بین مردم حتی اکثریت طرفداران نظام فقها ندارد. بنابراین پافشاری شما در اجرای قانون، برای کوبیدن و خفه کردن مردم در پناه «قانون» است. آن هم قانونی که فقط حافظ ولی فقیه و حاکمیت فقها باشد.

- وقتی رهبر بخواهد باید همه آن مسئله را بخواهند. نظارت و اشراف عالیه با رهبری است که همه قوای سه گانه زیر نظر ایشان کار می کنند.

- با کسی که نظام را قبول ندارد با زبان امنیتی و تنبیهی باید برخورد کرد.

- کسانی نباید از خارج دولت متولی حق مردم، حق اسلام و چیزهای دیگر شوند.

- ولایت فقیه دیگر یک نظریه فقهی نیست بلکه اصل نظام است.

آقای رئیس جمهور! این جملات قصار شما فقط اختصاص به یک نظام دیکتاتوری مطلق دارد. از جمله نظامی که شما سمت ریاست جمهوری آن را بعهده دارید. به نظر می رسد که یکبار دیگر به اعتماد و آرمانهای مردم خیانت شده است.

### سخنی با طرفداران واقعی و صادق حاکمیت اراده ملت

آنچه نظام را وادار به مشاطه گری چهره کریه استبدادی خود کرده است، تلاش مجددانه در حفظ و تثبیت موقعیت خویش خاصه پس از رسوایی دادگاه میکونوس است. جماعتی که این مشاطه گریهای فریبده پس از انتخابات رئیس جمهوری را حمل بر



تغییراتی در ماهیت نظام می کنند به دلیل روحیه سازشگرانه و یا ساده اندیشی و سطحی نگری و بیمایگی فکری آنهاست. تنها مسئله ای که در جریان انتخابات امیدها را به تحولات آینده زنده کرد جنبش مردمی خاصه نسل جوان بود که با استفاده از موقعیت مناسب، ضربه ای کاری بر پیکر رژیم وارد ساخت و کارگردانان آن را سخت بیناک کرد.

میان افکار عمومی و احساسات عمومی تفاوتی بسیار است. خمیرما به افکار عمومی فکر و منطق است اما احساسات با فکر و منطق سرو کار ندارد. متأسفانه جامعه ما در اثر ضربات ناشی از نظامهای دیکتاتوری همواره گرفتار احساسات عمومی است که عموماً این احساسات نیز بصورت «عکس العمل» در مقابل زور و ظلم و ناملایمات زندگی و اوضاع آشفته کشور ظاهر می شود. از جمله این احساسات عمومی بصورت عکس العمل علیه شاه در ۱۹ سال قبل خمینی را بر کرسی قدرت نشاند. اصولاً دنباله روی از فرد و فردپرستی بیماری خطرناکی است که از نبود همکاریهای اجتماعی و تنهایی و بی پناهی سرچشمه می گیرد و میکرب این بیماری حتی بسیاری از روشنفکرانی را که باید راهنمای جامعه باشند آلوده ساخته است. فرد اندیشمند و آگاه به مسائل اجتماعی و سیاسی و پای بند به راه و روش اصولی، همواره از اصول و مکتبی که بدان معتقد است پیروی می کند. بنابراین آنچه باید مورد حمایت و یا مخالفت قرار گیرد راه و روش فکری و مکتب است نه فرد خوب یا بد. حتی پیروی کورکورانه از رهبری مبارز و صالح و آگاه و مردمی نیز فردپرستی است.

امروز آنچه در روبروی ما قرار گرفته دو مکتب متضاد با یکدیگر است. مکتبی که حاکمیت کشور را از حقوق انحصاری فقها می داند و مکتبی که معتقد به حاکمیت اراده ملت است (یعنی مکتبی که کلیه نگرشهای فکری و جناحی و همه طیفهای سیاسی معتقد بحکومت مردمی را شامل می گردد) نظام فقها برای بقای خویش مخالف سرسخت حاکمیت اراده ملت است زیرا حاکمیت اراده ملت یعنی نابودی نظام فقها.

در اینجا است که طرفداران حاکمیت اراده ملت باید تکلیف خود را روشن کنند که آیا هنوز هم به دنبال عقیده و مکتب خویشند و یا راه سازش را در پیش گرفته اند. زیرا هرگز نمی توان در آن واحد هم طرفدار این و هم طرفدار آن مکتب بود.

انحراف اول - در دوران انقلاب تعداد کثیری از طرفداران راه مصدق هم مدعی ادامه راه او بودند و هم بدنبال خمینی براه افتادند - در نتیجه هم مصالح ساختمانی کاخ ظلم و ستم آقای خمینی را بدوش کشیدند و هم آبرو و اعتبار کسب کرده خود را از دست دادند و هم از

دستگاه فرعونى آيت الله طرد شدند. خسر الدنيا والآخرة.

\*\*\*\*

اختلاف نظر خاتمی بر سر مسائلی با خامنه ای دلیل عدم اعتقاد او به ولی فقیه نیست. این گونه اختلاف نظرها نیز بین مهندس بازرگان و خمینی - بنی صدر و خمینی - منتظری و خمینی - هاشمی رفسنجانی و خامنه ای و... وجود داشته است. همه این اختلافها نیز ناشی از قانون اساسی است که بسیاری از اصول و مواد آن سراپا ضد و نقیض یکدیگرند. زیرا مواد این قانون بر اساس نظرات و اراده و مصالح شخصی آقای خمینی نوشته شده. در قانون اساسی رژیم یا باید ولایت فقیه حذف شود و یا رئیس جمهور. قانون اساسی رژیم شبیه یک ماشین سواری با دو موتور مختلف القوه است که یکی در جلو و یکی در عقب ماشین کار گذاشته شده و دوراننده آن در آن واحد و پشت به هم یکی ماشین را به جلو و دیگری به عقب می راند که حاصل آن همین وضع بلبشوی مملکتی است که در ظرف نوزده سال هنوز سر و سامان نیافته است.

خاتمی از تبار فقها و طرفدار سرسخت حاکمیت دین و ولی فقیه و بالطبع دشمن حاکمیت اراده ملت است. و اگر به فرض هم به اندیشه آزاد تمایل داشته باشد این وصله ناجور هرگز به این نظام نمی خورد. او همواره عقیده صریح خود را درباره ولایت فقیه با مردم در میان گذاشته است. از جمله در مصاحبه ۱۶ آبانماه نظر خود را درباره ولایت فقیه چنین اعلام می کند: «همه قوا باید در چارچوب قانون حرکت کنند. دفاع از قانون یعنی دفاع از ولایت فقیه و ولایت فقیه دیگر یک نظریه فقهی نیست بلکه اصل نظام است». این یعنی یک نظام مطلق العنان و سیاه دیکتاتوری. حال اگر راه و مکتب او را قبول دارید بفرمایید این گوی و این میدان به شرط آن که مانند کبک سرها را در زیر برف نکنید و در آن واحد هم خدا و هم خرما را نخواهید و مانند گذشته ادعا نکنید که گول خورده اید.

انحراف دوم - همه دیروز با خمینی بیعت کردیم و چوب بستهای کاخ ظلم و بیداد گریهای او شدیم و پس از تودهنی خوردن بدین عذر و بهانه متوسل شدیم که گول خوردیم. یعنی عذر بدتر از گناه، هم خود را روشنفکری آگاه به مسائل سیاسی می پنداریم و هم گول می خوریم. سپس بجای اقرار به گناهان خویش اظهار عقیده می کنیم که خمینی انقلاب را از راه خود منحرف کرده است اما در حقیقت این خمینی نبود که انقلاب را منحرف کرد بلکه این روشنفکران چپ و راست و میانه رو بودند که با پیوستن به خمینی از راه و عقیده خود منحرف شدند و امروز برای بار دیگر همان انحراف تکرار می شود.

آنچه امروز برای طرفداران حاکمیت اراده ملت مسئله اساسی است نظام و مکتب

ولایت فقیه است. نه فوت خمینی و تضعیف خامنه ای، مکتبی که بقایش به نابودی یا تسلیم طرفداران حاکمیت اراده ملت بستگی دارد. بنابراین هدف حذف و یا ضعف ولایت فقیه نیست بلکه هدف اصلی شکستن سد حاکمیت یک اقلیت بر دین و کشور، برای نیل به حاکمیت یک ملت و حفظ و حرمت و استقلال اسلام از آلودگیها و بند و بست های کثیف سیاسی برهبری مجتهدین و علمای فاضل و متقی.

سرچشمه همه بلا تکلیفی ها و تسلیم شدن ها و راه عوض کردن ها تنهایی و بی پشت و پناهی و تک روی است. مادام که تنها و بی پناهییم ناچار خود را به دست سرنوشت مجهول می سپاریم. این دستهایی که امروز بسوی شما برای همکاری (یعنی تسلیم) دراز شده است دستهای آغشته به خون صدها هزار نفر از مدافعان عقاید خویش است. از دستهای شسته شده از خون این فریبکاران گول نخوریم. اینها همان گربه های عابد و زاهد و مسلمان نماهای خونخوارند. بیش از این خود را سرگرم وعده های پوچ آنها نکنیم که حدود بیست سال با این سرگرمیها عمر باختیم. در این دو دهه گذشته نوزادان بیست ساله، بیست ساله ها چهل ساله، چهل ساله ها شصت ساله و... شدند و جماعت کثیری با رسیدن به آخر خط در حسرت بازگشتن به وطن در خاک غربت خفته اند. در این بیست سال دیوار برلن فرو ریخت، ابر قدرت شوروی سرنگون شد، کشورهای پشت پرده آهنین آزاد شدند، آخرین پایگاه رسمی نژاد پرستی جهان در افریقای جنوبی فرو ریخت، بسیاری از ملت های کشورهای جهان سوم در نبرد با استبداد پیروز شدند، در سراسر جهان نبرد ملت های در بند استبداد برای آزادی خویش با فداکاری و از جان گذشتگی ادامه دارد و... اما من و تو همچنان به هم زدن حلیم هاشمی رفسنجانی و خامنه ای و خاتمی و... مشغولیم و مانند خبرنگاران موظف و حقوق بگیر شبانه روز برای کسب خبر از این جماعت و انتشار و انتقال آن تلاش می کنیم و بکلی از «خود» بیخبریم زیرا جز هم زدن حلیم دیگران هیچ عمل اجتماعی انجام نداده ایم که خبر آن را منتشر سازیم.

مادام که برای شکل یکپارچه و کسب هویت اجتماعی خویش، از جمع «من» ها «ما» بوجود نیآوریم، صدای من و تو و جمع چند نفری من و تو حول محورهای فکری جدا از هم، بجایی نمی رسد، کما اینکه در این ۱۹ سال گذشته بجایی نرسیده است.

اگر این «ما» در خارج وجود داشت دوران انتخابات اخیر و جنبش مردمی بهترین فرصت تاریخی برای یکپارچه کردن نیرو و صدای داخل و خارج کشور بود. زمانی که این دو نیرو و صدا یکپارچه شوند مرگ استبداد فرا خواهد رسید.

از جنجالها و شادیهای خارجیها مرعوب و مجذوب نشویم که همه این شادیها بخاطر

## مهرگان

دسترسی به غارت نفت است. مجذوب و مرعوب تبلیغات گوش خراش رژیم نشویم که همه اینها آثار شوم تنهایی و نبود اتحاد و بی پشتوانگی است.

بلکه بجای هم زدن حلیم دیگران همه تلاشهای فردی خود را برای شکل یکپارچه حول شعار واحد «حاکمیت اراده ملت» که دربرگیرنده اهداف تمام طبقات و گرایشهای سیاسی است متمرکز سازیم. این تنها راه نجات و رستگاری ماست.

خواستن توانستن نیست مگر این که تمام تواناییهای فردی «من»ها را برای نیل به نیروی «ما»ی سرنوشت ساز یکپارچه کنیم.

تنها مانع اصلی در بوجود آمدن این نیروی سرنوشت ساز من و توایم.

## ایران سرزمین حکومت دزدان و غارتگران

ادعای نامه ای علیه سران رژیم در محدوده غارتگری و قانون شکنی آنها  
با استناد به قانون اساسی نظام فقها و اسناد معتبر

داستان مبارزه رژیم با صاحبان ثروت‌های باد آورده ۱ - پایه های حکومت‌های استبدادی بر فسادهای مادی و معنوی استوار گردیده است. اگر فساد را از اینگونه رژیمها حذف کنیم کاخهای ظلم و ستم آنها فرو می ریزد. بنابراین ثروت‌هایی که نظام «باد آورده» می نامد و مدعی مبارزه با صاحبان آنست، «باد آورده» نیست بلکه ثروت‌های «نظام فقها آورده است» که سران رژیم حصیر و حجره نشین دیروز را امروز کاخ نشین و ثروتمند کرده است. ادعای مبارزه رژیم با فساد، مانند آن دزدی است که پس از ارتکاب سرقت در حال فرار فریاد آی دزد آی دزد سر می دهد و برای دستگیری دزد از مردم استمداد می طلبد. مگر غده سرطانی می تواند با سرطان مبارزه کند؟

هدف و منظور رژیم در شعار مبارزه با ثروت‌های باد آورده در این چهار اصل خلاصه می شود: ۱- انحراف فکری مردم از توجه به دزدان واقعی ۲- گشودن دریچه بخار برای فرونشاندن خشم مردم از این همه غارتگریها ۳- سرگرم کردن و جلب توجه مردم به مسائلی که آنها را از فکر کردن به ریشه مصائب و مشکلات اصلی خود باز می دارد ۴- خلع ید قدرت جناحها از یکدیگر در جنگ بر سر قدرت از طریق بر ملا ساختن گوشه هائی از فساد یکدیگر.

این اولین بار نیست که جناحهای هیئت حاکمه در جنگ قدرت و در پی هدفهای خاص خویش گوشه هائی از پرده های فساد یکدیگر را بالا می زنند. در شش سال قبل نیز آقای رهبر به منظور یکپارچه کردن قدرت در دست جناح روحانیت مبارز مطیع و فرمانبردار خویش، طی یک سخنرانی با پیراهن عثمان کردن مخارج چند صد میلیون تومانی عروسی

حجت الاسلام کروبی، رهبر جناح روحانیون مبارز و رئیس مجلس وقت، با حمله شدید به صاحبان ثروت‌های باد آورده و اشرافیت، به دفاع از حیثیت اسلام ناب محمدی برخاست! به بخشی از سخنرانی «رهبر» توجه فرمایید:

سخنان صریح مقام رهبری در جمع کارگردانان نظام - «... من و شما همان طلبه قبل از انقلابیم، شما یک معلم بودید، یک دانشجو بودید، یک طلبه بودید، یک منبری بودید. حالا عروسی میگیریم عروسی اشراف! خانه درست می کنیم مثل خانه اشراف! حرکت میکنیم توی خیابانها مثل حرکت اشراف! ماشینهای لوکس و نو و سیستم بالا و جدید، سوال می کنیم چرا؟ اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟ این چه وضعی است که همینطور بی حساب و کتاب جلو هر وزارتخانه ای، جلوی هر اداره ای دهها ماشین مال مسئولین آنجا برنگهای گوناگون، نمی شود ما در زندگی مادی فرو برویم و بخواهیم مردم به شکل اسوه به ما نگاه کنند!... کیهان یکشنبه ۲۷ مردادماه ۱۳۷۰.»

حاصل آن هیاهوی بسیار برای هیچ که مانند امروز مدتها بصورت مسئله روز درآمده بود، تنها به کنار گذاشتن جناح روحانیون مبارز و یکه تازی جناح روحانیت مبارز انجامید. از آن تاریخ به بعد با وجود چند برابر شدن چپاول و غارتگریها و اشرافیت و نتیجتاً قوس صعودی قیمت اجناس و فقر و تنگدستی مردم، نه تنها صدای آقای رهبر درنیامد بلکه برعکس همواره درستی و پاکدامنی کارگردانان رژیم خصوصاً خدمات درخشان هاشمی رفسنجانی را مورد ستایش قرار داد و همه این «تعمات» را نیز حاصل کرامات الهی و معجزات اسلام ناب محمدی قلمداد نمود، این بار نیز با بمیان کشیدن شعار مبارزه با صاحبان ثروت‌های باد آورده، در نظر دارند مانند رسوایی ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات که برای سرپوشی آن افتضاح یکی از دلالت‌های بنیاد مستضعفان را قربانی سرسلامتی «رهبر معظم» نمودند، چند نفر از دلالت‌های دست پرورده خود را دراز کنند و بر روی گند تعفن که از فساد هیئت حاکمه سراسر جامعه را فرا گرفته است سرپوش دیگری بگذارند.

این ثروت‌ها را «باد» از کجا آورده است؟ - مگر این چپاولگریها، امروز به وقوع پیوسته است که این حضرات فریاد آید آید دزد سر داده اند. این غارتگریهای «انقلابی» از اولین روز استقرار نظام فقها آغاز گردیده است. در آن دوران هرج و مرج و آدمکشی و ایجاد ترس و وحشت بود که غارتگران و متولیان انقلاب، همچون حمله اعراب به ایران در ۱۴۰۰ سال قبل به چپاول ثروت‌های عمومی و خصوصی پرداختند و با ضبط و انتقال نفیس ترین اشیاء و آثار عتیقه بخارج کشور بوسیله هواپیماهای مسافربری و باری دولتی

به خارج، موزه های معروف دنیا را غنی تر ساختند و برای بدست آوردن سهمیه بیشتر با هم دست بگریبان شدند. روزنامه اطلاعات بیست ششم بهمن ماه ۵۹ اعلام میکند: «ده هزار شیشی عتیقه از موزه ایران باستان مفقود شده است. آیت الله خلیفانی پس از دستبرد چند تن از فقهای چپاولگر به انبارهای کالای او، در مصاحبه با روزنامه کیهان مورخ ۱۶ بهمن ۵۹ با عصبانیت فریاد می زند: «از طرف دادستانی با سی نفر افراد مسلح آمده اند درهای انبارهای اموالی که مصادره کرده ام شکسته اند و در حدود پانصد فرش گرانقیمت را برده اند. متصدی اموال ما به من گفت معادل میلیاردها تومان اموال در اینجا بوده است. در صندوقها طلا و جواهرات بوده. حق بود جلوی چشم متصدی ما صندوقها را باز کنند تا به سرنوشت صندوقهای امانت طاغوتیان در بانک گرفتار نشوند. در تصفیه هزار فامیل ما می توانستیم میلیاردها تومان پول و جواهرات از آنها بگیریم. اکنون ما را رشوه خوار معرفی میکنند...»

دامنه این چپاولگری بدان پایه توسعه یافت که فریاد آیت الله قدوسی دادستان کل انقلاب از این همه غارتهای توأم با جنایت به آسمانها برخاست. دادستان کل انقلاب در مصاحبه رادیو تلویزیونی خود فریاد برآورد: «اینها گوشواره های زنان را از گوشهاشان کشیدند. اینها گردن بندهای طلای زنان را از گردنهایشان کشیدند و پاره کردند. اینها بدون کوچکترین دستور من املاک و ثروتهای مردم را مصادره می کنند...» بعد از این مصاحبه بود که او را با تیر بلای رژیم به بهشت موعود رهسپار کردند و گناه این جنایت را نیز بگردن ضد انقلاب مجهول انداختند.

این «باد»، ثروتهای غارت شده را از جنگ هشت ساله ایران و عراق، از طریق بازارهای سیاه و احتکار قوت لایموت مردم، از حق و حسابهای کلان و سرسام آور خرید کالاهای سود آور، از جمله سلاحهای جنگی بطور رسمی و یا قاچاق بوسیله فرزندان گرامی سردار سازندگی مقیم خارج کشور آورده است. حتی در آن آشوب و غوغا که مردم برای نجات جان خویش از موشکهای صدام حسین به بیابانها پناه می بردند، هاشمی رفسنجانی سردار جنگ بوسیله فرزندان خود در پی انباشتن دلار در بانکهای خارج از کشور بود. این باد، ثروتهای غارت شده را از تصاحب کارخانه ها و شرکت های دولتی بنام خصوصی سازی، از مداخل مانورها، تشییع جنازه ها، سمینارها، استقبالها، مراسم سالانه ارتحال امام، مهمانیها، راه پیمایی ها، مصادره ها، صادرات و واردات قاچاق با ارز ارزان، حق و حسابهای کلان قراردادهای خارجی از قبیل قراردادهای نفتی بطور علنی بنام «کمسیون» و... آورده است.

رژیمی که با در اختیار داشتن میلیونها بسیج و پاسدار و غیره و غیره قادر است بیرون

ماندن موی زنی را از زیر چادر یا روسری در سراسر کشور کنترل کند و کوچکترین حرکت «ضد انقلاب!» را در دور افتاده ترین نقاط و حتی خارج از کشور سرکوب سازد چطور از «کشف» این همه دزدیها و غارتگریها غافل بوده است؟

پاسخ به این چرا و چراهای دیگر، در این عبارت خلاصه می شود که: «ماموریت اصلی این میلیونها سربازان انقلاب، کوبیدن و خفه کردن صدای ضد انقلاب برای حراست و حفاظت از دزدان هیئت حاکمه و شرکاء و دلان آنهاست». این مانورهای نیروهای بسیج و پاسدار با هزینه های سرسام آور بنام لشکر امام حسین و علی بن ابیطالب و امام زمان در هر کوی و بزن برای جلوگیری از قیام و اعتراض مردم علیه این همه غارتگریهاست. این لشکریان امام زمانند که صدای مردم را خفه می کنند تا دزدان و غارتگران با آسایش خیال دزدی «انقلابی» کنند و یک شبه میلیاردر شوند.

چرا این میلیونها ماموران انقلابی از ورود و فروش این همه مواد مخدر و مشروبات الکلی و سیگار و سایر کالاهای قاچاق و نوارهای ضد عفت عمومی و... در هر کوی و بزن جلوگیری نمی کنند؟ آیا این خود دلیل بر آن نیست که اکثر این پاسداران اسلام و انقلاب خود توزیع کنندگان و فروشندگان اینگونه اجناسند؟ وقتی صدرنشینان غارت میکنند چرا حافظان آنها «نان از عمل خود نخورند»؟ آری فساد از بالا کل جامعه را غرق در فساد می کند و حتی ماموران امر به معروف و نهی از منکر را به عاملان امر به منکر و نهی از معروف مبدل می سازد.

بنابراین اگر در جستجوی عوامل و ریشه های اصلی فساد و غارتگریها می باشید سراغ سردمداران و سران فساد پرور و ظلم گستر نظام فقها به رهبری خامنه ای بروید.

### معرفی قانون شکنان اصلی و غارتگران بیت المال

با استناد به قانون اساسی و اسناد معتبر

۱ - خامنه ای از متجاوزان به قانون اساسی و غاصبان بیت المال - آقای سید علی خامنه ای با پایمال کردن اصل چهل و نهم و اصل هشتاد و سوم و ماده دوم اصل یکصد و دهم قانون اساسی، به استناد اصل یکصد و هفتم قانون اساسی «رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است» مجرم و گناهکار و مستوجب محاکمه و مجازات در یک دادگاه صالحه مردمی است.

اصل چهل و نهم: «دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاریها و معاملات



دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دادر کردن اماکن فساد و سایر موارد نامشروع را گرفته و بصاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقق و ثبوت شرعی بوسیله دولت اجرا شود.»

آقای خامنه ای با غصب تمام ثروت‌های غارت و مصادره شده خصوصی و عمومی در سراسر کشور که به موجب اصل چهل و نهم قانون اساسی متعلق به بیت المال بوده است، و انتقال آنها به بنیاد های خویش از قبیل بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد و... غاصب مستقیم بیت المال است.

**اصل یکصد و دهم -** درباره وظایف و اختیارات رهبر:

ماده دوم: نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام

آقای خامنه ای که به موجب ماده دوم اصل یک صد و دهم قانون اساسی موظف به «نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام» می باشد مستقیماً در تمام امور مملکت دخالت کرده و می کند.

**اصل هشتاد و سوم -** بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی می باشند قابل انتقال به غیر نمی باشند مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

نمونه هایی از تاراج نفیس ترین و گرانبهاترین میراث فرهنگی ایران بوسیله دولت غیر قانونی «ما فوق دولت قانونی» آقای خامنه ای:

میراث فرهنگی را دریابیم - «می گویند می خواهند قسمتی از اسناد گرانبهای تاریخ کشور ما را به حراج بگذارند و بفروشند. البته از ابتدای انقلاب تا کنون، اکثر اسناد و اجناس عتیقه گرانبهای وطن را با دست و دلبازی به دست باد غارت سپرده و موزه های لندن و پاریس و اسرائیل را غنا بخشیده و خزانه های گرانبهای اسناد ما را تهی ساخته اند. در سالهای ۵۸ و ۵۹ بیشترین و بهترین آثار هنری و عتیقه ای که در قصرها و کاخهای اختصاصی و خاندان طاغوت بود بوسیله برخی مسئولان غافل چوب حراج خورد و از کشور خارج گردید.

سپس بنیاد مستضعفان هر چند بار انبارهای اشیاء و اسناد ارزشمند تاریخی را به بهانه نداشتن جای نگهداری و کمبود بودجه، به مزایده فصلی و موسمی گذاشتند و هر روز چوب حراج را بر گوشه ای از این آثار منحصر به فرد و بسیار گرانبها زدند و غارتگران عتیقه شناس آنها را ارزان خریدند و خوردند و بردند و هنوز هم مشغول غارت آثار ملی و

تاریخی اند.

اگر سالهای قبل - سری به موزه دفینه - و انبارهای اشیاء عتیقه وابسته به بنیاد مستضعفان زده باشید و حالا هم بروید آنجا را ببینید دود حرمان از سرتان بلند می شود که چه شدند آنهمه آثار نفیس و برای چه اکثر آنها را به بهانه کم بها بودن از نظر اسنادی و تاریخی، سال به سال فروخته اند؟

تازه ترین خبر این که در برابر موج انتقادهای گهگاهی افراد خبره و دلسوز برای آثار باستانی و تاریخی و موزه ای نسبت به فروش آنها - اخیراً تصمیم گرفته اند که این آثار را به سرمایه داران کشورهای اسلامی بفروشند و به اصطلاح - اسناد هویتی ملت ما را به خودی نماهای ظاهری کشورهای اسلامی ثروتمند (و در حقیقت نماینده و عوامل سرمایه داران و عتیقه بازان و اسناد شناسان حرفه ای موزه های معروف لندن و اروپا و امریکا و...) بفروشند و گویا اواسط بهمن ماه - در طرح عمومی اسناد و آثار عتیقه بنیاد مستضعفان شرکت خواهند کرد. شرح و توصیف حاصل دسترنج هنرمندان دورانهای مختلف تاریخ کهن نیاز به سیاه کردن اوراقی بسیار دارد اما یک انسان آشنای معمولی خوب می فهمد که دارد چه بلای جبران ناپذیری بر سر اسنادی که نشانگر هویت ملی ماست می آید. تا موزه دفینه میرداماد چندان راهی نیست. لطفاً مورخان و اساتید محترم دانشگاهها و دانشجویان رشته های تاریخ و باستانشناسی قدم رنجه نموده و سری به آنجا بزنند و ببینند چه اشیاء و اسناد و ابزارهای یادگاری هنر و صنعت و سرمایه ذهن و فکر و جان و روح متعلق به اجدادمان را، قصد فروش به سرمایه داران کشورهای به اصطلاح اسلامی دارند؟ البته اگر قدری احساساتی هستید و خون این آب و خاک در رگهایتان گرمتر از سایرین است همراهتان چند دستمال برای زدودن سرشک خون از دیدگاتان بردارید و نظر کنید که چگونه در نظر دارند آثار اسناد ما را حراج بگذارند!

... لطفاً دست نگهدارید و آنها را نفروشید و برای ملت ما حفظ کنید. بچه هامان و نسل آینده برای شناخت آثار اجدادشان و تاریخ هنر و صنعت و سیر تکوینی صنعتی و فکری و هنری والدینشان سخت به آن نیازمندند.

ما بر حسب وظیفه روزنامه نگاری مان اشارتی و فریادی هرچند از ته چاه بر آوردیم و نسبت به فروش این آثار مهم و ارزشمند هشدار دادیم تا در تاریخ ثبت شود و دلسوزان فرهنگ و متولیان متعددی که واژه «فرهنگ» را بعنوان پیشوند و یا پسوند به دنبال وزارتخانه ها و یا سازمانها بدک می کشند بیدار شوند و اساتید محترم تاریخ و باستان شناسی شاهد باشند که چه فاجعه غیر قابل جبرانی دارد اتفاق می افتد و اغلب خاموشند.

این خط جاده ها که به صحرا نوشته اند  
 باران رفته با قلم یا نوشته اند  
 سنگ مزارشان همه سر بسته نامه هاست  
 کز آخرت به مردم دنیا نوشته اند.

هر سنگ مزار عتیقه ای، حکایتها در دل نهفته دارد و هر کنگره بزرگ و نقشهای زیبا  
 و ظریف ظروف، قصه ها در قلب پنهان کرده است. پوستین کهنه و مقدس پدران و سنگ  
 قبر کهن اجداد و هزاران اشیاء نفیس حاصل فکر و ذهن و خیال و هنر و صنعت و ذوق  
 نیاکانمان را به ثمن بخش و به بهانه کمبود بودجه به غریبه هامی فروشند.  
 کیهان دوشنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۷۳.

مهرگان - نویسنده این مقاله که یکی از نویسندگان ستون مخصوص کیهان بود، پس از  
 نوشتن این مقاله از روزنامه اخراج و سپس نا پدید شد.

ورود بازرگانان عرب برای معامله اشیاء عتیقه با بنیاد مستضعفان - چند روز پیش  
 چند بازرگان عرب با یک هواپیمای اختصاصی برای خرید مقداری آثار منحصر به فرد و  
 غیر قابل فروش که در اختیار بنیاد مستضعفان می باشد وارد تهران شده اند. این آثار قبلاً  
 توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی کشور مورد شناسایی و ارزیابی قرار گرفته است و  
 برای آنها از سوی این سازمان شناسنامه فنی تهیه شده است. دو تن از کارشناسان و دلان  
 معروف بنیاد حراج خارجی (سابتی واقع در لندن) و کریستر (واقع در نیویورک) نیز همراه  
 بازرگانان اشیاء عتیقه استثنائی می باشند. - روزنامه سلام ۱۹ اسفند ماه ۱۳۷۱

دستبرد در موزه ایران باستان - از سال ۱۳۷۰ تاکنون دو بار سرقت وحشتناکی در موزه  
 ایران باستان رخ داده است. اولی در خرداد ۱۳۷۰ و دومی در ۷۱/۱/۳۰ به وقوع پیوست و  
 حضرات مسئولین خم به ابروی خود نیاوردند و آب از آب تکان نخورد! این در دنیا سابقه  
 نداشته است که تالارهای بزرگترین موزه های کشوری در روز روشن مورد دستبرد واقع شود و  
 مجموعه ای از بی نظیرترین و نادرترین گنجینه سکه های تاریخی آن کشور به یغما رود.  
 همزمان سرقت دوم، تابلوی بسیار نفیسی از رنوار نقاش مشهور از کاخ نیاوران به سرقت رفت  
 و باز هم آب از آب تکان نخورد. - سلام ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۲.

مهرگان - شایعات وسیع در آن تاریخ حاکی از آن بود که این اشیاء نفیس به سرقت نرفته  
 است بلکه به بنیاد مستضعفان انتقال داده شده است. این گونه انتقالها را که به کرات اتفاق

افتاده است سرفت اعلام میکنند.

نمونه هایی از اقدامات اقتصادی دولت غیرقانونی

«ما فوق دولت قانونی» آقای خامنه ای:

مصاحبه مباشر آقای خامنه ای، محسن رفیقدوست با خبرنگاران:

- \* با توجه به مشکلات ارزی، بنیاد مستضعفان در صدد جلب سرمایه های خارجی است.
- \* بسیاری از کارخانه های این بنیاد از این کمکها (کمکهای خارجی به شکل سرمایه گذاری) برخوردارند و این روند گسترش خواهد یافت.
- \* این بنیاد در حال ساختن کارخانه سیمان ایلام با ظرفیت سه هزار تن در روز است.
- \* پس از فروپاشی شوروی بنیاد مستضعفان و جانبازان با اعزام هیئتهای مختلف کارشناسی و تخصصی به برخی از کشورهای آسیای میانه، بازار مناسبی جهت عرضه محصولات تولیدی خود در این کشور یافت. - روزنامه سلام ۲۰ آبانماه ۱۳۷۲.

طرح بنیاد مستضعفان برای تعدیل قیمت کالاهای مورد نیاز مردم

محسن رفیقدوست: بنا به دستور مقام معظم رهبری بنیاد مستضعفان و جانبازان موظف شده است نسبت به تعدیل هر نوع جنس مورد نیاز مردم اقدام کند و با وارد کردن نوع خارجی آن کالا و یا اقدام برای تولید بیشتر آن جنس در داخل کشور نرخهای کاذب را بشکند.

رسالت، ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱.

رکود بازار کالاهای داخلی و رونق بازار کالاهای خارجی:

مهندس جاوید فاتحی مدیر عامل اتحادیه تعاونی کشاورزی گاوداران استان تهران: بواسطه نبود خریدار، ۱۰ تن پنیر تولید داخلی در حال فاسد شدن است. کساد بازارهای تولید داخلی دلیل برورود بی حد و حساب اینگونه کالاها از خارج از کشور است.

کیهان ۱۶ تیرماه ۷۳

مهرگان - بنیاد مستضعفان با وارد کردن انواع و اقسام کالاها بدون نظارت گمرک و پرداخت حقوق گمرکی و سرازیر کردن آنها بی بازار، هم موجب کساد بازار تولید و هم بیکاری وسیع کارگران کارخانه ها و موسسات تولیدی را موجب می شود.

واردات بی رویه موجب کاهش تولید کامیون در داخل کشور شده است - در حالی که تولید کامیون در کشور امکانات بالقوه ای در تولید این قبیل وسیله نقلیه دارد، بنیاد مستضعفان و ارگانهای دولتی دست به وارد کردن کامیون از خارج می زنند که این عمل رکود تولید را

به دنبال داشته و اقتصاد کشور را ضربه پذیر کرده است. - سلام ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۲. بنیاد مستضعفان ناوگان کشتیرانی خود را توسعه می دهد - بنیاد مستضعفان و جانبازان برای افزایش توانمندی خود در بخش صادرات و واردات در حال مذاکره برای خرید شش فروند کشتی ۲۰ تا ۲۵ هزار تنی با چین است. - سلام ۲۲ مهرماه ۷۶. صادرات محصولات کشاورزی بنیاد مستضعفان به عربستان سعودی به یک میلیون دلار افزایش می یابد - مدیر عامل سازمان کشاورزی و صنایع غذایی بنیاد مستضعفان اعلام کرد: صادرات محصولات کشاورزی و میوه این سازمان تا پایان سال جاری به کشور عربستان سعودی به یک میلیون دلار افزایش می یابد. - سلام ۱۴ مردادماه ۷۶.

### فهرست بخش دیگری از اقدامات غیرقانونی دولت «مافوق دولت» آقای خامنه ای:

- حراج و واگذاری گرانبهاترین قصرها، باغها، تجارتخانه ها، شرکت ها، زمینها، کارخانه های مصادره شده، همچنین مرغوبترین املاک در روستاها و املاک اوقاف بوسیله بنیاد مستضعفان.
- دخالت مستقیم رهبر در تمام امور لشکری و کشوری و قضایی از جمله دانشگاهها و موسسات آموزشی از طریق نمایندگان معمم خویش در تمام ارگانهای مملکتی.
- تبدیل ارتش ملی و مردمی به ارتش شخصی (دیروز ارتش ایران شاهنشاهی بود و امروز ارتش ولایت فقیهی شده است). سپردن بالاترین درجات و مقامات ارتشی به بی سوادترین افراد حزب اللهی، تشکیل دو ارتش مستقل و در مقابل هم (پاسداران و ارتش رسمی) با تمام تجهیزات، و با هزینه های سرسام آور آنها از بیت المال ملت.
- در اختیار گرفتن قوای انتظامی بصورت یک نهاد شخصی و گوش بفرمان
- دخالت مستقیم در کلیه موسسات آموزشی - بخشش مدارک تحصیلی دانشگاهی با تعیین سهمیه چهل درصد به چماقداران حزب الله و پرداخت کلیه مخارج آنها از بیت المال
- اخراج صدها استاد تجربه آموخته و دانشمند دانشگاه به بهانه اسلامی کردن دانشگاهها.
- تشکیل سازمانهای بسیج با هزینه های سرسام آور از بیت المال از میلیونها اطفال و نوجوانان و جوانان دبستانی و دبیرستانی و دانشگاهی با تخصیص امتیازات مخصوص برای جلب جوانان، تعلیمات ضد مردمی به آنها برای مقابله این سرمایه های معنوی کشور با مردم خویش، ... بجای تعلیم و تربیت صحیح آنها برای ساختن و آباد کردن فردای کشور.
- در این نوشته فقط به اعمال یکی از بنیادهای آقای خامنه ای اشاره شده است.

در خانه اگر کس است همین چند مثال بس است.

## ۲ - هاشمی رفسنجانی ناقض قانون اساسی و عامل اصلی غارتگریها و حراج بیت المال

کارنامه سیاه هاشمی رفسنجانی در هشت سال ریاست جمهوری خود؛ یک ملت گرسنه و بی خانمان و از هستی ساقط شده، در مقابل یک اقلیت بر روی گنجهای قارون نشسته، ورشکستگی اقتصادی با میلیاردها دلار قرضه، جامعه آلوده به فساد مالی و معنوی با گسترش علنی رشوه خواری، خفقان و سانسور، به بند کشیدن و اعدام آزاداندیشان، شکستن قلمها، ترورهای داخلی و خارج از کشور، شکنجه و اعدام، دهها هزار زندانی سیاسی و... است که رسیدگی به هر یک از این پرونده ها مجرمیت و محکومیت او را به اثبات می رساند.

آقای هاشمی رفسنجانی به جرم نقض اصول قانون اساسی به شرح زیر و حراج بیت المال و حمایت از دزدان و غارتگران و... مستوجب محاکمه و مجازات در یک دادگاه صالحه مردمی است.

اصل هفتم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

اصل نهم - هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور از آزادیهای مشروع، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

اصل بیست و سوم - تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.

اصل سی ام - دولت موظف است وسایل آموزش رایگان را برای افراد ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و دوم - هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید ذکر شود. دلائل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی برای مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

مهرگان - بسیاری از زندانیان سیاسی که بعضی از آنها سالهاست در زندان بسر می برند

هنوز دلیل زندانی شدن خود را نمیدانند.

اصل سی و سوم - هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد و یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اصل سی و هفتم - هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت و اقرار و سوگند فاقد ارزش و اعتبار است.

مهرگان - روح هزاران انسان شکنجه شده و خفته در خاک امثال سعیدی سیرجانی ها به این جنایتکاران و کذابان تاریخ لعنت می فرستند.

اصل سی و نهم - هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی، یا تبعید شده بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

مهرگان - متأسفانه قانون اساسی فقها، مجازاتی برای افرادی مانند خامنه ای و رفسنجانی در هتک حرمت و حیثیت بسیاری از اندیشمندان اهل قلم («غیر زندانی») در برنامه هویت صدا و سیما، تعیین نکرده است.

اصل هفتاد و هفتم - عهدنامه ها، قراردادها، مقاوله نامه ها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس برسد. برای جلوگیری از طول کلام از نام بردن سایر مواد قانون اساسی که بوسیله آقای رفسنجانی نقض گردیده اند خودداری می شود.

### ۳ - رئیس و نمایندگان مجلس و دولت

مشترکاً ناقض اصل هشتاد و یکم قانون اساسی اند

اصل هشتاد و یکم - دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات و امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات بخارجیها مطلقاً ممنوع است.

دولت با تهیه و ارسال لایحه ای غیر قانونی به مجلس برای اجازه تشکیل شرکتها و موسسات خارجی در ایران و رئیس مجلس به دلیل طرح این لایحه غیر قانونی به مجلس و رای دهندگان و تصویب کنندگان این لایحه که نقض کننده اصل هشتاد و یکم قانون اساسی اند مجرم و گناهکار و مستوجب محاکمه و مجازات در یک دادگاه صالحه مردمی اند زیرا مجلس حق لغو و یا تعویض و یا حتی تفسیر اصول قانون اساسی را ندارد.

### ۴ - رئیس و نمایندگان مجلس و دولت

مشترکاً ناقض اصل هشتادم قانون اساسی اند

اصل هشتادم - گرفتن و دادن وام یا کمکهای بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت

باید باتصویب مجلس اسلامی باشد.

مهرگان - به موجب این اصل اخذ کلیه وامهای میلیارد دلاری از خارجیا و دادن کمکهای بدون عوض به خارجیا که عموماً محرمانه و دور از چشم مردم بوده است از جمله کمکهای نقدی و جنسی به کشورهای نظیر سوریه و سودان و... همچنین کمکهای مالی و تامین مخارج سلاحهای گروههای چریکی، مانند حزب الله لبنان غیر قانونی بوده است. دولت و ام دهنده و وام گیرنده و رئیس و نمایندگان مجلس به دلیل عدم جلوگیری از این اقدام غیر قانونی مشترکاً مجرم و مستوجب محاکمه و مجازات در یک دادگاه صالحه مردمی اند.

#### ۵ - یزدی رئیس قوه قضائی نقض کننده اصل بیستم قانون اساسی است

اصل بیستم - همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

مهرگان - محمد یزدی با اعلام این که «حکومت و دخالت در سیاست فقط از حقوق انحصاری فقهاست و غیر روحانی حق دخالت در سیاست ندارد» نقض کننده اصل بیستم قانون اساسی و مجرم و مستوجب محاکمه و مجازات در یک دادگاه صالحه مردمی است. همچنین آقای یزدی بدلیل عدم اجرای اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی مجرم و گناهکار است.

اصل یکصد و چهل و دوم قانون اساسی - دارائی رهبر، رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، وزیران، همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد.

#### ۶ - تحریف و تقلب در اصل ۹۹ قانون اساسی

بوسیله شورای نگهبان برای سلب یکی از اساسی ترین حق مردم اصل نود و نهم - شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهور، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد.

به موجب این اصل شورای نگهبان فقط و فقط حق نظارت بر انتخابات را دارد نه تعیین نامزدهای انتخاباتی و معرفی آنها به مردم. تعیین و انتخاب نامزدها از مهمترین حقوق اساسی مردم است و نظارت بمعنی جلوگیری از تقلب در آراء انتخاباتی است نه دخالت



درانتخابات و معرفی نامزدهای انتخاباتی.

اعضای شورای نگهبان به دلیل تحریف اصل ۹۹ قانون اساسی و تقلب در انتخابات مستوجب برکناری از کار و محاکمه و مجازات در یک دادگاه صالحه مردمی اند و منصوب کننده آنان نیز شریک جرم و قابل تعقیب است.

### نمایشنامه کمدی تراژدی نظام فقها در مبارزه با صاحبان ثروت‌های بادآورده

برنامه نمایش کمدی تراژدی نبرد با صاحبان ثروت‌های بادآورده با حمله شدید آقای رهبر به ثروت اندوزان آغاز گردید: «امروز عده ای بنا دارند بی رحمانه و وحشیانه با زیر پا گذاشتن قوانین برای به دست آوردن ثروت‌های زیاد تلاش کنند. مجلس با تصویب قوانین لازم و قوه مجریه با کمک دستگاه‌های قضایی باید با این پدیده خطرناک که در آغاز راه است بمبارزه برخیزد. - کیهان ۵ تیرماه ۷۶»

به موازات فرمایشات آقای رهبر، شرح حال دزدی‌های چند تن از دلان دست‌چندم نظام را بدون ذکر نام و نشان و مشخصاتشان فقط در اختیار روزنامه کیهان، نشریه ارگان رهبر گذاشتند تا با هیاهو و جنجال و تبلیغات وسیع و فریاد آی دزد آی دزد افکار عمومی را از دزدان و دزدپرووران درجه اول یعنی سران رژیم منحرف سازند. غافل از آن که این افشاگری‌ها در درجه اول، اسناد محکومیت رژیمی است که همه دزدی‌ها و چپاولگری‌ها تحت حمایت و نوای اسلام ناب محمدی صورت گرفته است.

در میان این جار و جنجال‌های تبلیغاتی بنا بر ضرب المثل معروف «بیک کرشمه دو کار» رئیس قوه قضائی با استفاده از چنین موقعیتی، پرونده‌های حریفان فضول را نیز بمیان کشید که هم مبارزه با فساد را به اثبات رساند و هم به حساب مقاماتی که برای خاتمی فعالیت کردند بحسابشان برسد. نتیجه این مبارزه با فساد بدینجا خاتمه خواهد یافت که در پرده آخر این نمایشنامه با دراز کردن چند تن از دلان دست‌چندم، خاکستر بر آتش دل‌های مردم پاشند و غارتگران اصلی همراه تماشاچیان و امت همیشه در صحنه، با شرکت در مجلس ختم «مرحوم» صاحبان ثروت‌های بادآورده، برای آنها فاتحه بخوانند، همچنان که در رسوایی ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات با قربانی کردن یک دلال خودی قال مسئله را کردند و صدای مردم را خاموش کردند.

### نظام فقها در عصر سازندگی در دولت رفسنجانی به رهبری خامنه ای

سران نظام فقها برای «سازندگی» ثروت بیشتر، شرکتها و کارخانه‌های خارجی را تحت عنوان

«خصوصی سازی» بین خود و اقوام و شرکای خویش تقسیم کردند.

کشور ایران در طول تاریخ بارها مورد تهاجم و غارت و ویرانی قبایل خارجی نظیر حمله اعراب و تهاجم مغول قرار گرفته است. اما این بار این تهاجم و غارتگری بوسیله عوامل داخلی به وقوع پیوسته است. یکی از بزرگترین فاجعه فساد از «بالا» آلودن کل جامعه به فسادهای مادی و معنوی است. به قطره هایی از دریای بیکران دزدیها و غارتگریها آنها هم فقط در محدوده کارخانه های دولتی توجه کنید:

کیهان ۱۱ تیرماه ۷۶

### نقش واگذاری شرکتها و کارخانجات دولتی در ایجاد ثروت های باد آورده

اغلب می شنویم اقوام فلان مسئول فلان کارخانه را خریده اند.

در طول سالهای گذشته، کارخانجات و شرکت های بسیاری که دولت سالهای سال سرمایه گذاریهای سنگینی روی آنها کرده بود، در چارچوب سیاست های خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی به افراد، شرکتها و گروه های کاری واگذار شدند. اکنون هر کس به فهرست بزرگ کارخانه ها و شرکت های مهم دولتی واگذار شده نگاه میکند، پرسش های گوناگونی در ذهنش نقش می بندد که اغلب بی پاسخ می ماند.

چه کسانی این شرکتها و کارخانه ها را خریده اند؟ - در پاسخ این سوال گاه اطلاعاتی از گوشه و کنار مبنی بر این که عده ای از مدیران و بستگان ایشان از واگذاریها بهره مند شده اند، شنیده می شود و به دنبال آن این پرسش به ذهن می آید که وقتی واگذار کننده و خریدار با هم نسبت داشته باشند، قیمتها چگونه تعیین می شود، پرداخت وجه چگونه صورت می گیرد و... اینها همه دلایلی برای سکوت سنگینی هستند که سالهاست بر واگذاری شرکتها و کارخانجات حاکم است و پدیده «واگذاری در سکوت» را شکل داده است.

\* در طول سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، جمعاً ۱۳۸ میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان سهام شرکت های تحت پوشش خود را به خریداران واگذار کرده است.

\* اغلب می شنویم اقوام فلان مسئول کارخانه را خریده اند. فامیل فلان مدیر شرکت آن شرکت را خریده است.

کیهان ۱۲ تیرماه ۷۶

### نقش واگذاری شرکتها و کارخانه های دولتی در ایجاد ثروت های باد آورده

اولین تصمیمات در مورد واگذاری سهام متعلق به دولت و سازمانها و شرکت های دولتی

در جلسات اردیبهشت ماه سال ۷۰ هیئت وزیران اتخاذ شد. در سال ۷۱ هیئت وزیران تصویب نمود برای سرعت عمل بخشیدن به واگذاری و فروش شرکتها و کارخانه ها، بجای مزایده از طریق «مذاکره!» انجام گیرد. متعاقب آن هیئت دولت در تاریخ ۶/۱۰/۷۱ واگذاری سهام را به «شورای اقتصاد» محول کرد. در تاریخ ۱۴/۱۲/۷۲ شورای اقتصاد به استناد اختیاراتی که از سوی دولت به آن واگذار شده بود آئین نامه ای تنظیم نمود. ماده ۴ این آئین نامه مقرر می دارد که سهام واگذاری متعلق به دولت می تواند به مدیران شرکتها منتقل شود. این مصوبه مغایر با قانون منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارکنان دولت در معاملات دولتی بود. اما کار به اینجا ختم نمی شود. ماده ۴ این اجازه را به مدیران می دهد که هنگام خرید شرکت و شرکت تحت مدیریتشان ۲۰ درصد از قیمت واگذاری را بپردازند و بقیه را در اقساط چهارساله پرداخت نمایند. در چنین شرایطی مدیران کارخانه ها و روسای شرکتها برای تامین ۲۰ درصد قیمت کارخانه دست به فروش ماشین آلات آن زدند. کمترین تخلف در این موارد این بود که چهار نفر از مدیران «شرکت کابل ایران» اسماً اقدام به خرید شرکت کردند و بلافاصله آن را به «شرکت پارس توشه» که خود یک شرکت واگذار شده بود، واگذار کردند و در قبال این واگذاری هر کدام ۱۰ میلیون تومان سهام را بگن گرفتند.

#### تخلف اندر تخلف

اینکه مدیران شرکتهای دولتی آماده واگذاری بتوانند خود خریدار سهام شرکت خود باشند، یک تخلف است، اما در دل این تخلف تخلفات دیگری هم صورت گرفته است. یکی از آنها مربوط به فروش «شرکت قند دزفول» است. بر اساس آیین نامه شورای اقتصاد مبنی بر دریافت ۲۰ درصد از سهام کارخانه به صورت نقد، این مبلغ (۲۰٪ کل) از سوی مسئولان بمبلغ ۴۴۸ میلیون تومان محاسبه شد، اما از این مبلغ تنها ۲۰۰ میلیون تومان اخذ شد و در واقع ۲۴۸ میلیون تومان تخفیف آنهم در قیمت نقد به خریدار داده شد که معلوم نیست از کیسه چه کسی پرداخت شده است.

همچنین ۲۰ درصد قیمت نقد فروش سهام «شرکت پارس توشه» ۵۸۶ میلیون تومان بود که تنها ۵۰ میلیون تومان آن وصول شد که کمتر از یک دهم قیمت تعیین شده است و یک تخفیف ۵۳۶ میلیون تومانی به حساب می آید.

هنگام فروش «شرکت نوظهور» به مدیران آن، ۲۰ درصدی که باید بصورت نقد پرداخت می شد ۳۵۲ میلیون تومان محاسبه گردید، اما آنچه پرداخته شد، فقط ۱۰ میلیون تومان بود که کمتر از یک سی و پنجم اصل مبلغ بود.

کیهان ۱۴ تیرماه ۱۳۷۶

### درواگذاری و فروش ۵۶ کارخانه و شرکت دولتی خریدار همان فروشنده بوده است!!

یکی از عجایب واگذاری ۵۶ شرکت و کارخانه به روش مذاکره از سوی سازمان صنایع ملی این بوده است که قیمت گذاری آنها بوسیله افرادی صورت می گرفته که در مرحله بعد خریداران شرکت یا کارخانه بوده اند.

وقتی فروشنده، هم فروشنده باشد و هم خریدار و خریدار پولی هم در بساط نداشته باشد، این شیوه فروش به زبان ساده یعنی مفت خری. آیا ۵۶ شرکت و کارخانه ای که به روش مذاکره خودمانی از سوی سازمان صنایع ملی فروخته شده اند و نیز دهها کارخانه دیگر که به همین روش از سوی سازمانهای دیگر واگذار شده اند، مصادیقی از به یغما دادن بیت المال نیستند؟ آیا همین روش عده ۱ را یک شبه به ثروتهای بادآورده نرسانده است؟

کیهان ۱۵ تیرماه ۱۳۷۶

### نقش واگذاری شرکتها و کارخانه های دولتی در ایجاد ثروتهای باد آورده

یکی از مهمترین مکانیزمهای سوء استفاده در واگذاریها، موضوع قیمت گذاری است. آنچه در قیمت گذاریها منجر به سوء استفاده شده، تفاوت قیمتهای دولتی و قیمتهای بازار در دوره واگذاری است در حالی که در سالهای ۷۰ تا ۷۳ که اوج واگذاریها صورت گرفته، قیمت دولتی ارز، قیمتهایی بسیار ناچیز بوده و این تفاوت گاه به چندین برابر هم رسیده است. در بررسی شرکتهای واگذار شده این موضوع دیده شده است که قیمت ماشین آلات و بویژه موجودیهای انبار، اعم از مواد اولیه و کالای ساخته شده و ضایعات، به نرخ ارز دولتی محاسبه شده است.

در مواردی قیمت مواد اولیه و کالاهای ساخته شده موجود در انبار کارخانه های واگذار شده هنگامی که به نرخ آزاد محاسبه شده اند، حتی از قیمت پرداخت شده بابت خرید کارخانه بیشتر بوده اند. برخی گزارشها نشان از آن دارد که برخی از مدیرانی که اقدام به خرید کارخانجات و واگذاری کرده اند، قیمت تعیین شده برای آن را از طریق فروش بخشی از مواد اولیه و محصولات ساخته شده موجود در انبارها تأمین کرده اند.

تخلفات واگذاری در شرکتهای صادره ای

اگر دایره واگذاریها را بحدی وسعت دهیم که به واگذاری شرکتها و کارخانجات

مصادره ای هم برسیم، آنوقت با تعدادی از نهادهای عمومی مواجه خواهیم بود که کارخانجات زیادی را برای کمک به اهداف نهادها تحویل گرفته اند و سپس تعدادی از این نهادها، اقدام به فروش کارخانجات مورد اشاره به افرادی خاص نموده اند. مطالعه سرنوشت این کارخانه ها، نیازمند یک پیگیری همه جانبه از سوی نهادهای مسئول بازرسی، نظارت در کشور است.

مهرگان: بسیاری از کارخانه ها و شرکتهای دولتی را بعنوان کمک به بنیادهای آقای خامنه ای مانند بنیاد مستضعفان تحویل دادند. بنیادها نیز آنها را بلافاصله فروختند.

### جعل تاریخ اسناد

در برخی از واگذاریها بجای ذکر تاریخ روز که تاریخ توقف قانونی واگذاریها بوده، تاریخ گذشته درج شده است، واگذاری شرکت سرمایه گذاری وابسته به سازمان صنایع ملی از جمله این موارد است که واگذارکنندگان برای خلاص شدن از کمند قانون تاریخ را به هفته قبل از تاریخ توقف واگذاریها درج کرده اند.

### تعویض مدیران در مواقع واگذاری

مدیران با سابقه و متخصصی که سالهای سال، سکان اداره کارخانه ها را به عهده داشتند، بعضاً پس از تصویب مصوبه واگذاری به مدیران عوض شدند و افرادی به مدیریت واحدهای صنعتی گمارده شدند که نظر دستگاههای واگذارکننده آن بود که کارخانه ها به ایشان فروخته شود. بعنوان مثالی از این موضوع، می توان به واگذاری «کارخانه الکتریکی البرز» اشاره کرد. فردی که همراه با عده ای دیگر این کارخانه را خریداری کرد، کسی بود که در خرداد ۷۳ به مدیریت کارخانه منصوب شد و در تاریخ یازدهم مرداد سهام کارخانه را همراه با عده ای دیگر خریداری کرد.

واگذاری کارخانه ها به مدیران، عملاً تبدیل به روشی برای واگذاری شرکتهای و کارخانه به افراد دلخواه نهادهای واگذارنده گردید. نمونه این امر را می توان در تغییر مدیریتها مشاهده کرد.

روند واگذاریها می بایست در مردادماه سال ۷۳ قانوناً متوقف می شد، اما نه تنها جریان واگذاری آن متوقف نشد بلکه سرعت گرفت و مثلاً کارخانه ای در آبانماه سال ۷۳ بطور کامل واگذار شد.

### سرمایه های بخش خدمات دلالی

شما باید بروید سراغ سرمایه هایی که در بخش خدمات، آنهم خدمات دلالی هر روزه میلیاردها تومان گردش نقدینگی ایجاد می کنند، بدون آنکه ذره ای به تولید کشور کمک کرده باشند. بروید سراغ کسانی که با این نقدینگی بالا، برای جامعه تورم به ارمغان می آورند. آنها که در «فاصله پس از تولید تا مقطع مصرف» انواع کالاها، پنهان هستند و با چرخش پولهایشان و بدتر از آن، با گردش چک هایشان نفس تولید را می گیرند. ثروتهایی که در این فعالیتها بوجود می آید هم هنگفت و بادآورده اند و هم پنهان و نامشخص، اتفاقاً در آنجا هم، بیشتر این شرکتها هستند که مشکل سازند. شرکتهای واردات و صادرات، شرکتهای پخش و توزیع، هم شرکتهای دولتی، هم شرکتهای بعضی نهادها و هم شرکتهای خصوصی. به نظر من وظیفه شماست که از مسئولان ثبت شرکتها پرسید که آقایان این همه شرکت خدماتی را برای چه ثبت می کنند. پرسید برای توزیع محصولات یک شرکت «تولیدی» چند شرکت خدماتی باید ثبت شود، آیا هر کس درخواست تاسیس شرکت داد و شرایطش را هم احراز کرد، باید صاحب شرکت شود؟

کیهان ۱۶ تیرماه ۷۶

### نقش واگذاری شرکت ها و کارخانه های دولتی در ایجاد ثروتهای بادآورده

\* کارخانه تولید کننده قسمتی از موتور اتومبیل در تبریز را به یک میلیارد تومان واگذار کردند. خریدار پول پرداختی را از طریق فروش ضایعات موجود در انبارهای کارخانه تامین کرد.

\* کارخانه نساجی را از سوی یکی از بنیادها در شمال به مدیر گروه نساجی دادند که فقط قیمت زمین کارخانه سیزده برابر آن چیزی که برای کل کارخانه دادند می ارزد.

\* یک شرکت معروف تولید کننده کت و شلوار از سوی یک سازمان صنفی به ۹۰۰ میلیون تومان واگذار شد. اگر تمام تاسیسات کارخانه را توی دریا بریزند فقط زمین کارخانه ۹۰۰ میلیون تومان می ارزد.

\* کارخانه مواد غذایی را به سه شرکت اجاره داده اند. کسانی که در پوشش این سه شرکت کارخانه را اجاره کرده اند مدیران فنی سابق سازمان واگذار کننده هستند.

کیهان ۱۸ تیرماه ۷۶

### نقش واگذاری شرکت ها و کارخانه های دولتی در ایجاد ثروتهای بادآورده

\* سازمان صنایع ملی ایران در تاریخ ۴/۵/۷۳، ۶۳ درصد سهام کارخانه ای را به